

عاشقانه‌هایی که برای تو سرودم

رویا زاهدنیا لوندویل

سرشناسه	زاهدنیالوندویل، رویا، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پدیدآور	عاشقانه‌هایی که برای تو نسرودم / رویا زاهدلوندویل.
مشخصات نشر	رشت: بلور، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	۱۱۲ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۳۰۶-۰۵۹-۳
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	نثر فارسی--قرن ۱۴
رده بندی کنگره	۱۳۹۲ ۷۶/الف ۸۰۷۶ PIR
رده بندی دیویی	۸۷۸/۸۶۲
شماره کتابشناسی ملی	۳۰۸۵۹۹۳

عاشقانه‌هایی که برای تو نسرودم

نویسنده:	رویا زاهدنیالوندویل
ناشر:	انتشارات بلور
نوبت چاپ:	اول
سال انتشار:	۱۳۹۲
امور فنی:	موسسه ساقی
چاپ و صحافی:	چاپ و رنگ زیتون
شمارگان:	۱۰۰۰
قیمت:	۳۰۰۰ تومان

نشانی: رشت، خیابان امام خمینی، کوچه آغورا، جنب مسجد، انتشارات بلور

همراه: ۰۹۱۲۱۹۷۵۱۲۳ فکس: ۲۲۵۶۱۱۷ تلفن: ۲۲۴۵۵۷۵ - ۰۱۳۱

Email: boloor.publications@gmail.com

سرایش ۱

عاشقانه‌ای برای....۱

همیشه رسمش همین بوده گلم، که من مهمان ناخوانده هر روز زمستانی تو باشم در حالی که تو مسافر سرزمین‌های آفتابی و دوری.... بهانه‌ات هم همین شده دنیا دیگر جایی برای شعر و کرشمه لیلی و گاهی کمی عاشقانه‌های وقت و بی وقت عصرهای خیس پاییزی ندارد...

باور ندارم حرفهای این روزهایت را انگار نیمی از زمستان در چشمهایت نشسته است و گرنه من نیمی از تو نبودم.. شکل دیگر تو شبیه شاعری که گاه و بی گاه پایه پای غزلهایش ساده می‌شد.

باورم ندارم گلم که تو یادت نمانده است آن همه روزهایی که قرار بود به نام من و تو باشد... لی لی بازی برگ و باد میان شاخه‌های درخت بلوط... دور از چشم آقاجان نام کوچکت را به یادگاری نوشتن.. گم شدن در احتمال یک روز آفتابی به هوای دیدن تو از پشت کوچه باغ قدیمی... انکار تو وقتی شعرهای بسپیدم اشاره‌های تو را فاش می‌کرد.

باور ندارم گلم تنها بگویی دنیای عاشقانه هم روزی تمام می‌شود همه چیز فقط در شعر زیباست حالا که شاعر نیستیم بگذار مثل همه باشیم.

همیشه رسمش همین بوده گلم ترا در شعرهایم... ترا در گریه‌هایم داشته باشم... نباشی و من تمام گریه‌هایم را به پای تو بریزم... در روزگاری که می‌گویی مثل همیشه است... دنیا بدون شعر و لیلی و منظومه‌های عاشقانه هم می‌گذرد.

این روزها هر کس حال و روز مرا می‌بیند حال و روز ترا می‌پرسد انگار از چشمهای من همه رفتن ترا می‌فهمند و می‌گویند دیر یا زود فراموش می‌شوی از خوابهام... روزهایم حتی از عاشقانه‌هایم...

می‌گویند گلم... در خاک تو ریشه نداشتم... با تو سبز نمی‌شدم نمی‌دانند من زردی این فصل را با تو به هر چه گل و سبزه و بنفشه می‌بخشم.

همیشه رسمش همین بوده گلم... جایی در روزهایت... تمام روزهایم خالی است... با همین روزها و هفته‌های بی یکشنبه هم دوست دارم... عاشقانه‌ای بودم برایت اگر نخوانده تمام شدم بگذار به پای تقدیری که همه می‌گفتند و ما باورش نداشتیم.

همیشه رسمش همین بوده گلم ترا جایی در گریه‌هایم داشته

باشم.

سرایش ۲

تو را از هنگامه خیس اولین باران جهان پیش از این، قبل از اولین عاشقانه‌های دخترکان آدم، در هرم داغ و عطشناک تابستانی از آن همه بوسه‌های آتشین همیشه دوست داشتی ام...

ترا قبل از سرایش اولین سوره پاک مریم، قبل از آفرینش گل و گل سنگها و خورشید سبید خلسگزارها دوست داشته‌ام

ترا همیشه خواسته‌ام از عطر اولین درختچه‌های تابستانی... از عصر اولین بوسه گاه شعر و باران... ترا دوست داشته‌ام پیشترها که نام کوچک مرا به باد به آب به خدایان باران نگفته باشی گاه با بوسه‌ای پرت در کوچه‌ای پرت با خاطره‌ای پرت خاطره‌ات را در کوچه‌های خیس ماسال گریه می‌کنم.

ترا دوست داشتم پیشترها... از هنگامه یک گل... از همیشه یک اتفاق هرگز نیفتاده ترا دوست داشته‌ام در جهانی که نامی جز تو نداشت... ترا پیشترها قبل از آواز خوانی گل سنگها، پیش از آغاز جهان دوست داشته‌ام پیش از رویش اولین ستاره قطبی، ترا پیشترها قبل از اینکه نام بگیرم قبل از اینکه نام بگیریم دوست داشته‌ام.

پیشترها که هنوز هیچ روزی به نام من و تو نبود و تنها رنج

جهان همین بود نامی که نداشتیم... از هنگامه خیس اولین عصرگاه
بارانی شمال ترا پیشترها قبل از آنکه نام بگیرم دوست داشته‌ام
پیشترها که هنوز جهان بهشت کوچکی بود و خدایش اینهمه آن
بالاها نبود ترا پیشترها قبل از هر آغازی دوست داشتم.

www.ketab.ir